

مروری بر منابع کتاب العین

فرامرز مسعودی

این مقاله چند هدف را دنبال کرده است:

۱. شناسایی و ارائه منابع کتاب العین صرفنظر از زبان و زمان آنها؛
۲. سنجش و تحلیل محتوای منابع نسبت به مسائل و موضوعات مطرح در باب کتاب العین (یا اصطلاحاً Literature review)؛
۳. ردیابی نظرات گوناگون در باب کتاب العین در عمق زمان؛
۴. تحلیل استنادی منابع کتاب العین (Citation analysis) که به واسطه آن می‌توان منابع معتبر را در زمینه مورد نظر پیدا کرد. به عنوان مثال در باب وجه تسمیه کتاب العین، سه نظریه در منابع آمده است. نظریه اول مربوط به ابن مکتوم است. نظریه دوم که در اصل تکمیل شده نظریه اول است متعلق به ابن خلدون است و نظریه سوم متعلق به سعید نفیسی است. سه منبع به نظر اول استناد کرده‌اند. ثمة منبع به نظر دوم استناد کرده‌اند و هیچ منبعی به نظر سوم استناد نکرده است. در بافت سلسله استنادها، شرط قید نام منبع در منابع دیگر لازم شمرده نشده بلکه ماهیت نظریه مورد بحث تعیین‌کننده استنادها به حساب آمده است.

وجه تسمیه

تمامی منابعی که در باب کتاب العین بحث کرده‌اند آن را کتابی در لغت عرب دانسته‌اند.^۱ قدیم‌ترین منبعی که در باب وجه تسمیه کتاب العین سخن گفته تذکره تاج‌الدین احمد معروف به ابن مکتوم (م. ۷۴۹ ق.) است. وی می‌گوید: «در باره نام

۱. این منابع در فصلهای آتی معرفی خواهند شد.

کتاب الجیم تصنیف ابی عمرو شیبانی سؤال شد، گفته شد زیرا حرف اول آن جیم است مانند کتاب العین که اولین حرف آن عین است و بدین نام خوانده شده.^۱ پس از وی ابن خلدون (م. ۸۰۸ ق.) همین دلیل را در مورد وجه تسمیه کتاب اقامه کرده و می‌افزاید: «متقدمان در نامیدن کتب خویش شیوه خاصی داشتند که عبارت از نامیدن کتاب به نخستین کلمه‌ها یا الفاظ آغاز کتاب بود».^۲ سعید نفیسی وجه تسمیه کتاب العین را به گونه دیگری بیان کرده، می‌گوید: «از اسم کتاب پیدا است که کتاب خلیل بن احمد می‌بایست تنها شامل مصادری باشد که حرف عین در آنهاست».^۳ دائرة المعارف بریتانیکا در طبع ۱۹۶۷، آن را The book of eye ترجمه نموده لیکن در ویرایش بعدی این کتاب را «کتاب حرف عین» معرفی کرده است.^۴

چگونگی تبویب و تنظیم

در منابع بررسی شده، ترتیب کتاب العین یا به عبارتی «نظم خلیل» از دو جنبه اساسی مورد مذاقه قرار گرفته است. نخست طریقه به دست آوردن ابواب کلمات و دوم ترتیب کلمات و آرایش آنها. در باب نحوه به دست آوردن کلمات، خلیل شیوه‌ای بدیع به کار گرفت که توسط آن کلمه‌ای از قلم نیفتد. او ابتدا همه واژه‌ها را به ریشه‌هایشان (اصول) تقلیل داد^۵ و سپس ریشه‌ها را بر اساس شماره حروف آنها به دسته‌های دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی و پنج حرفی

۱. عبدالرحمن السیوطی، المزهرة، ج ۱: ص ۹۱ و نیز ج جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیة، ج ۲، ص ۱۲۲؛ محمد علی مدرس، ریحانة الادب، ج ۷، ص ۱۸۳.

۲. ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۱۶۲ و نیز ج عبدالله افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۷؛ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۶۴؛ محسن الامین، اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۴۲؛ سلطانعلی سلطانی، «تدوین لغت نازی به وسیله ایرانیان»، ص ۲۴۷؛ شهیدی، «بختی درباره کتاب العین»، ص ۲۳۳؛ غلامحسین مصاحب (سرپرست)، دائرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۱۷۵؛ وجدی رزق غالی، المعجمات العربیة، ص ۲۷؛ مهدی المخزومی، مقدمه کتاب العین، ص ۹؛ ابراهیم الایباری، «العین للخلیل بن احمد»، ج ۱، ص ۸۹۶.

۳. سعید نفیسی، «فرهنگ‌های پارسی»، ج ۱، ص شصت و چهار. البته تحقیقات بعدی نشان داد که این نظر مرحوم نفیسی چندان صائب نبوده است.

4. Encyclopedia Britannica, V.9, p.957g.

۵. س.م. یوسف: «سنت فرهنگ‌نویسی در اسلام»، ص ۵.

طبقه‌بندی کرد. قدیم‌ترین کسی که این شیوهٔ خلیل را بیان کرده است ابن ندیم (م. ۳۸۰ ق.) است. وی می‌گوید: «لیث بن مظفر سیار گفت: من نزد خلیل بن احمد (رضی الله عنه) می‌رفتم. روزی خلیل به من گفت اگر کسی الف. با. تا. ثا و امثال آن را به ترتیبی که من می‌دهم تألیف کند تمام کلام عرب را در آن گنجانده است و اساسی به دست می‌دهد که هیچ چیزی از آن خارج نخواهد ماند. من به او گفتم چگونه می‌توان این کار را انجام داد. گفت آن را بر دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی و پنج حرفی تألیف کند چون در لغت عرب از این بیشتر کلمه نیست»^۱. پس از وی ابن خلدون شیوهٔ دقیق و ریاضی به دست آوردن ابواب کلمات را توسط خلیل شرح داده می‌گوید: «کلیه کلمه‌های دو حرفی چنین به دست می‌آیند: یکی از حروف الفبا را به ترتیب با ۲۸ حرف دیگر که یک حرف کمتر از مجموع حروف الفبا می‌باشند ترکیب می‌کنند. در نتیجه آن یک حرف مرتباً با ۲۷ حرف دیگر ترکیب می‌شود و ۲۷ کلمهٔ دو حرفی به دست می‌آید. سپس حرف دوم را به همین شیوه با ۲۶ حرف ترکیب می‌کنند و آن گاه حرف سوم و چهارم را تا به حرف ۲۷ با ۲۸ می‌رسند که یک کلمه می‌شود و بنابراین مجموعهٔ آنها اعدادی متوالی از یک تا ۲۷ تشکیل می‌دهند و آنها را مطابق اعمالی که در نزد محاسبان مشهور است جمع می‌کنند. سپس آنها را به سبب برگرداندن الفاظ دو حرفی از آخر به اول دو برابر می‌کنند، زیرا تقدیم و تأخیر حروف نیز در ترکیب مورد نظر می‌باشد و نتیجهٔ این محاسبه کلیه الفاظ دو حرفی را تشکیل می‌دهد [و الفاظ سه حرفی از ضرب حاصل الفاظ دو حرفی] در رقمی به دست می‌آید که در نتیجهٔ ترکیب سه حرفی‌ها از یک تا ۲۶ [بر حسب توالی عدد] گرد آمده است، زیرا اگر بر لفظ دو حرفی یک حرف بیفزایند لفظ سه حرفی تشکیل می‌دهد و بنابراین دو حرفی به منزلهٔ یک حرف با هر یک از بقیهٔ حروف است که ۲۶ حرف‌اند. از این رو مرتباً از یک تا ۲۶ را جمع و کلیهٔ دو حرفی‌ها را در آن ضرب می‌کنند سپس با ضرب رقم به دست آمده در شش جملهٔ مقلوب کلمهٔ سه حرفی مجموع ترکیب‌ات

۱. ابن ندیم، الفهرست، ص ۷۴-۷۶ و نیز - عبدالله افندی، همان، ج ۲، ص ۲۵۴؛ حسین بن محمد قلی کنتوری، کشف الحجب، ص ۲۵۱؛ سید حسن صدر، تأسیس النیعه، ص ۱۵۱؛ مسعود فرزاد، «خلیل بن احمد و سیبویه»، ص ۲۱۴؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۱۱.

دو حرفی و سه حرفی الفبا به دست می‌آید. و همین شیوه‌ها را در چهار حرفی و پنج حرفی به کار می‌برند. بدینسان خلیل کلیه ترکیبها را به دست آورد.^۱ این روش مهمی بود که در آن زمان خلیل بن احمد با دست یافتن به آن توانست لغات زبان عرب را به شمارش درآورده و تمام حالت‌های ممکنه ترکیب حروف را در ساختمان کلمات مهار کنند. وی سپس از میان این حالات ممکنه که داده‌هایی ریاضی بودند، مستعملها را از مهملها متمایز کرد. اگرچه بعدها کسانی در تشخیص خلیل بین لغات مستعمل و مهمل شک و تردید روا داشتند اما شیوه دستیابی او به کلمات ممکنه نه تنها مورد خرده‌گیری قرار نگرفت بلکه به صورت روشی معمول در تدوین فرهنگهایی که بعد از کتاب العین پدید آمدند به کار گرفته شد.

برخی از منابع به تعداد ابواب به دست آمده از طریق فوق اشاره کرده‌اند. حمزه اصفهانی (م. ۳۶۰ ق.) تعداد کل ابواب به دست آمده را ۱۲۳۰۵۴۱۲ باب ذکر کرده است و تعداد ابواب هر دسته از کلمات را نیز به تفکیک بیان کرده است: دو حرفی ۷۵۶ کلمه، سه حرفی ۱۹۶۵۰ کلمه، چهار حرفی ۴۹۱۴۰۰ کلمه و پنج حرفی ۱۱۷۹۳۶۰۰ کلمه.^۲ همانطور که ملاحظه می‌شود جمع ارقام مزبور ۱۲۳۰۵۴۰۶ کلمه می‌شود که ۶ کلمه از حاصل جمع ارائه شده کمتر است. آقا بزرگ طهرانی جمع ابواب را همان ۱۲۳۰۵۴۰۶ باب ذکر کرده که با جمع ارقام مزبور مطابقت دارد.^۳ محسن الامین متذکر می‌شود که ۶ باب اختلاف مورد بحث توسط نسخا کم شده است.^۴ دکتر شهیدی نیز ضمن تذکر این نقصان می‌گوید: «معلوم نیست ۶ کلمه [را] که از مجموع کل کمتر است در چه بنایی اشتباه رخ داده است».^۵ جرجی زیدان علاوه بر ذکر رقم ۱۲۳۰۵۴۱۲ باب به نقل از سیوطی، تعداد الفاظ زبان عرب را نزد ابویکر زبیدی که از منتقدین خلیل بوده

۱. ابن خلدون، همانجا؛ و نیز - س. م. یوسف، همان، ص ۱۶؛ محمد شفیع، همان، ص ۴۶.

۲. السیوطی، یغیة الوعاة، ج ۱، ص ۵۵۹؛ و نیز - حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ستون ۱۴۴۳ حسین بن محمد قلی کنتوری، همانجا.

۳. آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶.

۴. محسن الامین، همانجا.

۵. شهیدی، همان، ص ۲۳۸؛ و نیز - محمد شفیع، همان، ص ۴۸.

آورده است.^۱ ابراهیم الایاری مجموع ابواب را همان ۱۲۳۰۵۴۱۲ ولی تعداد چهار حرفی‌های را ۵۹۱۴۰۰ و تعداد پنج حرفی‌ها را ۱۱۷۳۸۶۰۰ ذکر کرده است.^۲

خلیل بن احمد پس از استخراج ابواب لغات، آنها را مرتب کرد و برای ترتیب کتاب از شیوه‌ای بدیع که تا آن زمان به کار نرفته بود استفاده کرد. در این شیوه کلمات براساس جایگاه تولید حروف در دهان منظم شدند. طبق این روش «حروف کتاب العین از حروف حلق و گلو آغاز می‌گردد»^۳ و ابن خلدون می‌گوید: «در این امر [خلیل] مخارج حروف را مورد نظر قرار داد و از این رو نخست حروف حلق و سپس حروف کام (حنک) و آنگاه حروف دندانها (اضراس) و پس از آن حروف شفوی را قید کرد و حروف عله (ا - و - ی) یا حروف هوایی را در آخر آورد».^۴

بایستی توجه داشت که ترتیب ابثی در آن زمان نیز معمول بوده است و درباره این که به چه علت خلیل چنین نظم حاکمی را به کار بسته است نظرات گوناگونی مطرح شده است. در مقدمه کتاب العین آمده است که «وقتی خلیل بن احمد خواست کتاب العین را آغاز کند در آن تفکر کرد و شروع به ا. ب. ت. ث. ممکن نشد از آن جهت که الف حرف معتل بود. پس چون حرف اول فوت شد کراهت داشت که کتاب را با حرف دوم که ب بود آغاز کند و بعد از استقصاء و تدبیر و توجه به کل حروف، مخارج آنها را مد نظر قرار داده حرف عین را که دورترین مخرج را داشت اول قرار داد، بعد به حروف بالا و بالاتر آمد تا آخر حروف».^۵ ابن ندیم ترتیب حروف را در کتاب العین به شرح زیر آورده است: ع، ح، ه، غ، ق، ک، ج، ش، ص، ض، س، ر، ط، د، ت، ذ، ث، ز، ل، ن، ف، م، ب، ا، ی، و.^۶

۱. جرجی زیدان، همانجا.

۲. ابراهیم الایاری، همانجا.

۳. ابن ندیم، همان، ص ۷۵.

۴. ابن خلدون، همانجا.

۵. عبدالله افندی، همان، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۷؛ و نیز - محسن الامین، همانجا؛ وجدی رزق غالی،

همانجا؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۹-۱۴؛ ابراهیم الایاری، همان، ص ۸۹۵.

۶. ابن ندیم، همانجا.

پژوهشگران معاصر گرایش خلیل به چنین روشی را منبعث از توجه او به علم الاصوات یا آواشناسی می‌دانند. علمی که در زمان خلیل بسیار بدیع بوده و حتی مدتها پس از او یعنی تا قرن چهارم هجری که ابن جنی آن را در التصریف الملوکی به صراحت نام برد کسی بدان اشاره‌ای نکرد و امروز این علم به نام Phonology شهرت دارد.^۱ مسعود فرزند درکنگره بزرگداشت سیبویه در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳، در سخنرانی خود اعلام کرد: «خلیل در علم مخارج الحروف (فوتیک) نیز استاد و مبتکر بود و آشکار است که نظرات او در این علم در مطالعات سیبویه درباره «اصوات» زبان عربی منعکس شده است. خلیل منجمله متوجه مسئله بسیار مهم طرح صوتی الفبا گردید و کوشید که علامات کتبی اصوات الفبایی عربی را به ترتیبی که مبتنی بر قریب المخرج بودن آنها باشد تنظیم کند. تا آنجا که اطلاع داریم وی صحیحاً تشخیص داده است که در این طرح علمی گروههای حروف ذیل باید در مجاورت یکدیگر جای داشته باشند: عین، حاء، هاء؛ غین، قاف، کاف؛ جیم، شین؛ صاد، ضاد، سین؛ طاء، دال، تاء؛ ذال، ثاء، تاء [احتمالاً بایستی ظاء باشد] لام، نون. همچنین با روشن بینی عجیب تشخیص داد که همزه، واو (W) و یاء (Y) در این طرح علمی هم‌ردیف می‌باشند. علم جدید نظرات او را تأیید می‌کند».^۲ یوسف الهلیس نیز در کنگره بین‌المللی «تاریخ العلوم عند العرب» که در سال ۱۹۷۷ میلادی در دانشگاه حلب برگزار گردید،^۳ تقسیم‌بندی آواشناسانه حروف را نزد خلیل به این شرح مطرح کرد:

- ۱) حروف الحلق: ع، ح، ه، خ، غ (Throat)؛ ۲) حروف الهلویة: ق، ک (Uvular and Velar)؛ ۳) حروف شجرية: ج، ش، ض (Orifice)؛ ۴) حروف أسلیة: ص، س، ز (Hard-Tip)؛ ۵) حروف نطعية: ط، د، ت (Pre-Palatal)؛ ۶) حروف لثویة: ظ، ذ، ث (Interdental)؛ ۷) حروف ذلقية: ر، ل، ن (Soft-Tip Sounds)؛ ۸) حروف شفویة: ف، ب، م (Labial)؛ ۹) حروف الجوف: و، ا، ی، الهمزه (Chest).
- «نظم خلیل» اگرچه نه در آن روزگار رواج داشت و نه در روزگاران بعدی

۱. مهدی المخزومی، همانجا و نیز - س.م. یوسف، همانجا.

۲. مسعود فرزند، همان، ص ۲۱۳.

۳. یوسف الهلیس، «علم الصوتيات عند العرب»، ص ۴۷۷؛ و نیز - ابراهیم الایاری، همانجا.

مورد اقبال عام قرار گرفت،^۱ ولی همواره مورد توجه سرگذشتنامه‌نویسان و محققین بوده و بسیاری از اینان به این نظم بدیع در نوشته‌های خود توجه داشته و برخی خلیل را در اتخاذ این نظم متأثر از هندیان و خود این نظم را مطابق حروف زبان سانسکریت دانسته‌اند.^۲ دکتر شهیدی چنین نظری را توهمی می‌داند که از صرف تشابه بین این دو نظم ناشی شده است.^۳ و س.م. یوسف معتقد است: «هر گونه فکری که از رهگذر شباهت این دستگاه با دستگاه رایج در سانسکریت به ذهن خطور کند آن فکر در پرتو توجه به این واقعیت بی‌گمان نااستوار جلوه خواهد نمود که دستگاه خلیل به احتمال نزدیک به یقین از طریق اشتغال به قرائت قرآن به طور خودجوش به حاصل آمده است».^۴ صفدی (م. ۷۴۶ ق.) خلیل را در این شیوه متأثر از حکمای یونان می‌داند.^۵

«نظم خلیل» اگرچه بسیار علمی است ولی دستیابی به واژه‌ها در آن چندان سهل نیست و این خود مورد ایراد برخی ناقدان کتاب العین بوده است.^۶ ابوالعباس احمد بن ولاد (م. ۳۰۲ ق.) می‌گوید: «شاید خواننده کتاب پرسد که چرا به الف که معتل است ابتدا کردیم و خلیل در کتاب العین بدان ابتدا نکرده است ولی غرض ما چون خلیل نیست، کسی که بخواهد لغتی را از کتاب العین بیابد باید در تصریف توانا بوده، زائد و اصلی و معتل و صحیح و ثلاثی و رباعی و خماسی را بشناسد و مراتب حروف را در حلق و زبان و لب بداند و بر تصریف کلمه به وجوهی که ممکن است از حرکات مختلف و الحاق زوائد و مواضعی که

۱. س.م. یوسف، همانجا.

۲. جرجی زیدان، همان، ج ۲، ص ۱۱۲۱ و نیز El. V. 4, P.963؛ محمدعلی مدرس، همانجا؛ غلامحسین مصاحب، همانجا؛ سلطانی، همانجا؛ عبدالحسین حائری، فهرست کتابهای کتابخانه مجلس شورای، ج ۱۷، ص ۱۰۹.

Sergei Shuklii, "Encyclopedias and dictionaries, Arabic and Persian," V. 4, P. 443.

چنین نظریه‌ای در باب نزدیکی عروض خلیل با عروض هند نیز مطرح است. در این زمینه - پرویز ناتل خانلری، «عروض عرب و عروض هند»، ص ۸-۱۳.

۳. شهیدی، همان، ص ۲۳۲.

۴. س.م. یوسف، همانجا.

۵. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۳، ص ۳۸۵-۳۹۱.

۶. س.م. یوسف، همانجا.

حرف زائد در می‌آید آگاه باشد و همچنین به راهی که خلیل از آن راه کلام عرب را حصر کرده است وقوف یابد چون این جمله را دانست می‌تواند لغتی را که می‌خواهد از کتاب العین بیابد.^۱ دیریابی واژه‌ها و کلمات در کتاب العین موجب گردید که راهنماهایی در باب نظم کتاب به وجود آید که از آن میان شعر ابوالفرج سلمة بن عبدالله دلان المعافری مشهور است.^۲

منزلت تاریخی

بسیاری از منابع، کتاب العین را اولین فرهنگ جامع لغات زبان عربی به حساب آورده‌اند. فرهنگهایی که قبل از این کتاب تدوین شده بود فرهنگهایی شامل واژه‌ها، مترادفات و مشتقات هم‌ریشه در موضوعاتی خاص بود مثل کتاب شتر (الابل)، باران (المطر)، جنگ‌افزار (السلح)، زراعت (الزرع)، گیاهان (النبات) و غیره. برخی نیز مختصات ویژه‌ای از کاربرد رایج زبان عربی را در قالب رسالات جداگانه تدوین کردند مثل مثلثات، مقصود و ممدود، اتباع و مزاجه، اجناس و نوادر و غیره. برخی از لغت‌شناسان نیز به نگارش شروح عملی بر قرآن و اقوال پیامبر اکرم (ص) زیر عنوانی از قبیل غریب القرآن، غریب الحديث، مجاز القرآن، و معانی القرآن پرداختند. به همین لحاظ بیشتر منابع، کتاب العین را در واقع اولین کتاب لغت زبان عربی قلمداد نموده‌اند.^۳ مسعود فرزاد از این لحاظ خلیل بن احمد را با ساموئل جانسون عالم شهر انگلیسی مقایسه کرده است.^۴ برخی منابع دیگر نیز کتاب العین را سزاوار چنین مقامی ندانسته‌اند. از جمله سعید نفیسی با استناد به این فرض که کتاب العین تنها شامل آن دسته از افعال است که فاء الفعل یا عین الفعل و یا لام الفعل آنها حرف عین است، آن را جامع لغات زبان عربی ندانسته و

۱. احمد بن ولاد، مقصور و الممدود، ص ۲۰؛ و نیز - السیوطی، المزهر، ج ۱، ص ۹۰؛ شهیدی، همانجا.

۲. السیوطی، همان، ج ۱، ص ۸۹ و نیز - حاجی خلیفه، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همانجا؛ ابراهیم الایاری، همانجا.

۳. س.م. یوسف، همان، ص ۱۷ و نیز - سلطانی، همانجا؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۱۷؛ ابراهیم الایاری، همان، ص ۸۹۳.

۴. مسعود فرزاد، همانجا.

بنابراین کتاب العین را به مصداق حقیقی اولین کتاب لغت نمی‌داند.^۱

نسخه‌های خطی و چاپی کتاب العین

در این بخش ابتدا درباره نسخه‌های خطی که در منابع مختلف به آنها اشاره شده سخن می‌رود و سپس آن نسخه‌هایی که در حال حاضر موجودند معرفی می‌شود. طبق داستانی که ابن معتر (متوفی ۲۹۶ ق.) نقل کرده نسخه اصلی کتاب العین که نسخه منحصر به فردی نیز بوده است اندکی پس از مرگ خلیل از بین رفته است، و لذا او نسخه‌هایی را که در آن زمان موجود بوده جعلی می‌دانسته است.^۲ بنا به قول ابن معتر هیچ یک از نسخه‌های این کتاب اصل نیست. این مطلب از سوی منابع دیگر و نیز تحقیقات معاصر مورد تردید جدی قرار گرفته و حتی داستان چگونگی از میان رفتن تنها نسخه اصلی نیز که ابن معتر آن را نقل کرده افسانه خوانده شده است. این منابع به وجود نسخه‌های اصلی اشاره نموده‌اند. از جمله ابن ندیم آورده است که علی بن مهدی کسروی نسخه‌ای از کتاب العین را که توسط لیث بن مظفر و به همراهی خلیل به اتمام رسیده بود از محمد بن منصور معروف به محدث گرفت و محدث این نسخه را از روی نسخه لیث استنساخ کرده بود،^۳ و باز همو گوید: «نسخه‌ای که دعلج داشت، همان نسخه ابن علاء سجستانی بود. و ابن درستویه گوید: ابن علاء از آن اشخاصی بود که برای شنیدن این کتاب حاضر می‌شد.»^۴ از خطاط مقریزی نقل شده که در «خزانة الكتب» خلفای فاطمی در قرن چهارم سی و چند نسخه از کتاب العین خلیل وجود داشته که یک نسخه به خط خود خلیل بن احمد بوده است.^۵

ابن ندیم از قول ابوالفتح نحوی و او از ابوبکر بن درید (م. ۳۲۱ ق.) آورده است که: «در سال ۲۴۸ یکی از ورّاقان کتاب العین را از خراسان به بصره آورد و

۱. سعید نفیسی، همان، ج ۱، ص ۶۶.

۲. ابن المعتر، طبقات الشعراء، ص ۹۷.

۳. ابن ندیم، همان، ص ۷۶.

۴. همانجا.

۵. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۶۳۴؛ و نیز - محسن الامین، همانجا؛ علی اصغر حلبی، تاریخ تمدن اسلام، ص ۳۸۲.

در چهل و هشت جزء بود.^۱ ظاهراً این قدیمترین اطلاع دربارهٔ نسخ کتاب العین است. ابن درید سپس می‌گوید: «ما شنیده بودیم که این کتاب در خراسان و در خزینة طاهره است تا آنکه وراق مومی الیه آن را به بصره آورد.»^۲ حاجی خلیفه از کتاب الاستدراک علی کتاب العین ابوبکر زبیدی نقل می‌کند که: «در زمان ابی حاتم کتاب العین از خراسان آورده شد.»^۳ قاضی صاعد اندلسی (م. ۴۶۲ ق.) می‌گوید: «حنین بن اسحق کتاب العین خلیل را به بغداد آورد.»^۴ و ابن عطیه عبدالحق بن غالب (م. ۴۴۲ ق.) آورده است که قاسم بن ثابت بن حزم، اول کسی بود که کتاب العین خلیل را به اندلس آورد.^۵

اما نسخه‌های خطی که منابع مورد بررسی نسبت به وجود آنها اطلاع داده‌اند به شرح ذیل هستند: خیرالدین زرکلی از نسخه‌های خطی کتاب العین به صورت موجود یاد کرده است^۶ و سید حسن صدر می‌گوید: «از کتاب العین نسخه‌ای کامل به خط نیکو نزد من است.»^۷ این نسخه هم اکنون در کتابخانه صدر در کاظمیه عراق موجود بوده و مشخصات آن به این شرح است: خط نسخ، ۲ جلد، ۴۳۲ لوحه، هر صفحه ۱۳ سطر و تاریخ کتابت ۱۰۵۴ ق.

نسخه دیگری که از روی همین نسخه صدر استنساخ شده در ۸۵۰ صفحه و با سال کتابت ۱۹۲۶ م. مطابق ۱۳۴۶ ق. در کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان موجود است.^۸ نسخه استنساخ شده دیگری از روی نسخه صدر در ۸۴۳ صفحه

۱. ابن ندیم، همان، ص ۷۵.

۲. همانجا.

۳. حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۲؛ و نیز - مهدی المخزومی، همان، ص ۲۵.

۴. قاضی صاعد اندلسی، طبقات الامم، ذیل حنین بن اسحاق؛ و نیز - قطعی، تاریخ الحکماء، ص ۱۲۳۴ دمخدا، لفتنامه، ج ۲۱، ص ۷۱۸.

۵. ابن عطیه، فهرس، ص ۱۱۴۰ و نیز - یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۹.

۶. زرکلی، الاعلام، ج ۲، ص ۳۱۴.

۷. سید حسن صدر، الشیعه و قوت الاسلام، ص ۷۷ و ۷۸ و تأسیس الشیعه، ص ۱۵۰ و ۱۵۱؛ و نیز - آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۵؛ شهیدی، همانجا؛ عبدالحسین حائری، همان، ج ۱۷، ص ۱۱۱۰؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۳۱.

Fuat Sezgin. Geschichte des arabischen schrifttums, V.8, p.53.

۸. احمد الشراوی اقبال، معجم المعاجم، ص ۱۹۴.

۹. محسن الامین، ج ۶، ص ۳۴۵.

و ۲ جلد با سال کتابت ۱۹۲۶ م. مطابق ۱۳۴۶ ق. در کتابخانه برلین موجود است.^۱
 عبدالله درویش نیز از نسخه‌ای کامل به خط شیخ محمد السماوی در ۱۸۰
 صفحه و قطع بزرگ با تاریخ کتابت ۱۹۳۶ م. مطابق با ۱۳۵۶ ق. یاد کرده است.^۲
 میکروفیلم همین نسخه نیز در کتابخانه معهد الدراسات الشرقيه در لندن موجود
 است.^۳ نسخه دیگری به خط کاتب فوق‌الذکر در ۲ جزء، یک جزء به شماره ۷۷۳
 و تاریخ کتابت ۱۳۴۵ ق. و جزء دیگر با شماره ۵۰۹ و تاریخ کتابت ۱۳۵۵ ق.، در
 موزه بغداد موجود است که تطابق آن با نسخه ذکر شده توسط عبدالله درویش
 مورد تحقیق است.^۴

نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به خط نسخ مرتضی قلی
 افشار بن محمد بن یوسف، در ۵۰۶ صفحه با شماره ثبت قدیم ۶۱۸۱۳ و شماره
 ثبت جدید ۸۲۱۶ و تاریخ کتابت ۱۰۸۷ ق.^۵
 نسخه کتابخانه ملی در تهران به خط محمدعلی کمپانی با شماره
 ۵۳۴۸ و تاریخ کتابت ۱۰۹۲ ق.^۶
 دو نسخه دیگر از کتاب العین یکی در بغداد و در ۶۱۵ صفحه^۷ و دیگری
 در دارالکتب مصر به شماره‌های ۴۹۷ و ۴۹۸ در منابع معرفی شده است و
 دو نسخه را نیز آقا بزرگ طهرانی ذکر کرده که در منابع دیگر نیامده است. این دو
 نسخه عبارتند از:

1. Fuat Sezgin. *Ibid.*

۲. همانجا.

۳. همانجا.

۴. مهدی المخزومی، ص ۱۳۳ و نیز ←

Fuat Sezgin. *Ibid*; G. Auwad. *Handschriftlich kataloge der sammlungen*,
 Abdalwahab an-Nalb und Said an-Naqsbandi, p94-95.

۵. عبدالحسین حاتری. همانجا؛ و نیز ← مهدی المخزومی. همان، ص ۳۲. Fuat Sezgin, *Ibid*
 (سزگین شماره کتاب را ۵۶۵۴ ذکر کرده که با شماره آن در فهرست آقای حاتری مطابقت ندارد)؛
 احمد الشرفاوی اقبال، همانجا.

۶. فهرست کتابهای خطی کایخانه ملک. زیر نظر ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱، ص ۳۷۴؛ و نیز
 ← Fuat Sezgin. *Ibid*.

7. Fuat Sezgin. *Ibid*

۸. فهرس الکتب العربیه الموجوده بالذکار الکتب المصریه، ج ۲، ص ۲۸؛ و نیز ← Fuat Sezgin. *Ibid*.

نسخه کتابخانه کوپرولی‌زاده با شماره ۱۴۴۵ و نسخه‌ای به خط ابراهیم الاصفهانی با تاریخ کتابت ۱۰۵۴ ق.^۱

اما نسخه‌ای بسیار قدیم‌تر از نسخ فوق‌الذکر که متأسفانه در بررسی نسخه‌های خطی کتاب‌العین هیچ جا نامی از آن نیامده است نسخه‌ای بوده متعلق به مرحوم سعید نفیسی شامل ۵۳۰ صفحه به خط نسخ شعیب بن محسن و تاریخ کتابت روز یکشنبه اواخر جمادی الآخر ۸۹۵ ق. آنگونه که مرحوم نفیسی خود ذکر کرده است این نسخه متعلق به فرهاد میرزا معتمدالدوله بوده است. سعید نفیسی به واسطه اشتباهی به این نسخه مشکوک بوده است و تردید نیز از آنجا برخاسته که ایشان تصور می‌کرده نام کتاب‌العین دلالت دارد بر وجود تنها آن دسته از مصادری که حرف عین در آنهاست و چون نسخه ایشان شامل مصادر دیگر نیز بوده لذا آن را مشکوک می‌دانسته است. این اشتباه مرحوم نفیسی را وجود یک دوره از جزوه‌های چاپی آنستاس الکرملی که در اختیار ایشان بوده و آنها شامل افعالی بوده که فاء‌الفعل یا عین‌الفعل یا لام‌الفعل آنها حرف عین بوده، تنوید کرده است.^۲ در حال حاضر نسخه‌ای با همین مشخصاتی که ذکر شد و با یادداشت تملک «علی اکبر بن محمد المنیر» و «مرتضی بن محمد المنیر» در کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است که پشت ورقه اول آن نوشته شده؛ مکتبه سعید نفیسی.^۳

علاوه بر نسخه‌های ذکر شده، نسخه‌ای متعلق به قرن دوم هجری توسط آقای همایونفرخ جزو مجموعه کتابخانه بدر ذکر شده^۴ که با توجه به این که ظاهراً قسمت اعظم این مجموعه توسط کتابخانه ملی ایران خریداری گردیده، جستجوهای برای یافتن اثر از آن در کتابخانه مذکور به عمل آمد لیکن نتیجه‌ای حاصل نشد.

۱. آقا بزرگ طهرانی، همانجا.

۲. سعید نفیسی، همان، ج ۱، ص ۱۶۵ و نیز «شهبی، همان، ص ۲۳۱.

۳. فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهرية، ص ۳۴.

۴. رکن الدین همایونفرخ، تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، ص ۱۱۰۱ و نیز «اسماعیل پوراحمد جکناجی، تاریخچه کتابخانه ملی، ص ۳۹.

چاپهای کتاب العین

در سال ۱۹۱۴ میلادی، در بغداد، آنستاس الکرملی اقدام به چاپ این کتاب براساس نسخه‌های خطی که در دست داشت کرد ولی با شروع جنگ جهانی اول کار چاپ آن ناتمام ماند و تنها یک جلد آن شامل ۱۴۴ صفحه تحت عنوان: اللیث بن المظفر، کتاب العین فی اللغة از چاپ بیرون آمد.^۱ پس از آن در سال ۱۹۶۷ میلادی، ایضاً در بغداد ویرایش جدیدی توسط عبدالله درویش منتشر گردید به نام: کتاب العین اول معجم فی اللغة العربیه للخلیل بن احمد فراهیدی.^۲ و بالاخره آخرین چاپ کتاب العین توسط مهدی المعزومی و ابراهیم السامرای در ۱۹۸۰ میلادی و این بار نیز در بغداد انجام یافت.^۳ همین چاپ در سال ۱۴۰۵ ق. توسط انتشارات دارالهجرة در قم به صورت چاپ افست منتشر گردید.

مؤلف کتاب العین

ابن بخش از بررسی منابع کتاب العین پیچیده‌ترین بخش و مشحون از اقوال مختلف و نظریات متفاوت و متناقض است. از آنجا که کتاب العین دارای اهمیت زیادی در سنت فرهنگ‌نویسی بوده و به اجماع اهل نظر در مرتبه نخست در این رشته قرار دارد از دیرباز مورد توجه سرگذشت‌نامه‌نویسان و لغویان و نحویان بوده است، و همانگونه که اشاره شد نظریات مختلفی درباره مؤلف این کتاب ابراز شده است و هر یک از صاحب‌نظران دلایلی بر اثبات نظر خود یا رد نظر دیگران آورده‌اند. به منظور تبیین بهتر این نظریات آنها را بر حسب منابع مربوط، به سه

1. Carl Brockelman. *Geschichte der arabischen litrature*, V.1, p.100, Sup.1, p.159.

و نیز - *El. Ibid* الیاس سرکیس. معجم المطبوعات، ج ۱، ستون ۸۲۵ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ سعید نفیسی، همانجا؛ احمد تیمور پاشا، نوادر المخطوطات، ص ۱۹؛ محمد شفیع، همان، ص ۴۵؛ عبدالجبار عبدالرحمن، ذخائر التراث العربی الاسلامی: دلیل بیلو غرافی للمخطوطات العربیة المطبوعة حتى عام ۱۹۸۰م، ج ۱، ص ۴۹۹؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همانجا.

۲. *El. Ibid* و نیز - وجدی رزق غالی، همان، ص ۲۷؛ عبدالجبار عبدالرحمن، همانجا؛ *Ibid*، Fuat Sezgin؛ احمد الشرقاوی اقبال، همانجا؛ محمد رشاد الحمزوی، من قضایا المعجم العربی، ص ۲۰۳.

۳. خلیل بن احمد، کتاب العین؛ و نیز - عبدالجبار عبدالرحمن، همانجا؛ احمد الشرقاوی اقبال، همانجا.

دسته تقسیم کرده‌ایم:

دسته اول منابعی که تألیف کتاب را به طور کامل به خلیل بن احمد نسبت می‌دهند.

دسته دوم منابعی که بخشی از کتاب (ابتدای آن را) از خلیل ولی اتمام و انتهای آن را از جانب شخص یا اشخاص دیگری می‌دانند.

دسته سوم منابعی که کتاب را کلاً از فرد یا افرادی غیر از خلیل دانسته‌اند. برخی از منابع مورد بررسی نیز یک چنین تقسیم‌بندی و یا شبیه به آن را اعمال کرده‌اند.^۱

الف) انتساب به خلیل: در میان منابعی از این دست می‌توان از ابن ولاد (م. ۳۰۲ ق.)،^۲ ابن درید (م. ۳۲۱ ق.)^۳ و حمزه اصفهانی (م. ۳۶۰ ق.)^۴ نام برد. ابن ندیم نیز دو قول متفاوت و دو روایت در تأیید و تکذیب تألیف کتاب توسط خلیل آورده است. وی می‌گوید: «خلیل کتاب‌العین را تألیف کرد و به سفر حج رفت و آن را در خراسان گذاشت و از خزاین طاهریه به عراق آورده شد».^۵ ابن ندیم همچنین سند کتاب را بدین منوال آورده است: «ابو محمد بن درستویه چنین آورده است که من کتاب‌العین را به این استاد شنیده‌ام: ابوالحسن علی بن مهدی کسروی می‌گفت: محمد بن منصور معروف به محدث برای من حکایت کرد که لیث بن مظفر بن نصر بن سیار گفت: من نزد خلیل بن احمد (رضی الله عنه) می‌رفتم، روزی خلیل به من گفت اگر کسی الف. با. تا. ثا و امثال آن را به ترتیبی که من

۱. السیوطی، المزهر، ج ۱، ص ۷۶-۸۶ و نیز - حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۱ و ۱۴۴۲؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، ص ۱۵۰-۱۵۳؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۲-۳۴۳؛ سید جعفر شهیدی، همان، ص ۲۳۳-۲۳۶؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۱۹۱.

۲. المقصور و الممدود، ص ۲۰.

۳. جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۱۳ و نیز - السیوطی، المزهر، ج ۱، ص ۹۲؛ عبدالله اصفهانی، همان، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۷؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۲؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۲؛ عبدالحسین حائری، همان، ج ۱۷، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۱۹؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۷.

۴. حمزه اصفهانی، التنبیه علی الحدوث الصحیف، ص ۱۱۲۴ و نیز - ابن خلکان، وفیات الاعیان، ص ۱۱۶؛ صفدی، همانجا؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۷۹؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۳۸؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۳.

۵. ابن ندیم، همانجا.

می‌دهم تألیف کند تمام کلام عرب را در آن گنجانده است و اساسی به دست می‌دهد که هیچ چیزی از آن خارج نخواهد ماند... لیث می‌گفت من مرتب سؤالهایی می‌نمودم و او جوابهایی می‌داد که من به درستی به آن پی نمی‌بردم و به همین منظور چند روزی به نزدش می‌رفتم تا آن که بیمار شد و من هم به قصد حج به مکه رفته و نگرانی بسیار داشتم که مبادا بمیرد و آنچه که برای من شرح داده از میان برود. از حج که برگشتم به دیدارش رفتم، دیدم که او تمام حروف را به همان گونه که در صدر کتاب است تألیف کرده و آن را از حفظ برای من املاء نمود و در جایی که تردید پیدا می‌کرد، از من می‌خواست که تحقیقی در آن نموده، در صورت صحت آن را بنویسم و به همین گونه عمل کردیم تا تمام این کتاب از کار درآمد.^۱ و قاضی صاعد اندلسی (م. ۴۶۲ ق.) می‌گوید حنین بن اسحاق در بصره نزد خلیل عربی می‌آموخت و کتاب العین را به بغداد آورد.^۲ اگر مطلب قاضی صاعد درست باشد بر اتمام کتاب توسط خود خلیل یا با اشراف او دلالت دارد. نشوان حمیری (م. ۵۷۳ ق.) نیز از خلیل به عنوان صاحب کتاب العین یاد کرده است.^۳ ابوبکر الاشبیلی (م. ۵۷۵ ق.) کتاب العین را از خلیل دانسته و سند کتاب را به شرح زیر بیان کرده است: ابو محمد بن عتاب از ابو عمر یوسف بن عبدالله بن عبدالبر و احمد بن محمد بن یحیی بن الحذاء، از ابوالقاسم عبدالوارث بن سفیان بن حیرون، از قاضی منذر بن سعید البلوطی، از ابی العباس احمد بن الولید معروف به ولاد تمیمی النحوی، از پدرش محمد بن ولید، از ابی الحسن علی بن مهدی، از ابی معاذ عبدالجبار بن یزید از لیث بن المظفر بن سیار، از خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم الفراهیدی.^۴ ابن انباری (م. ۵۷۷ ق.) گوید: کتاب العین را خلیل بر لیث املاء کرد.^۵ قفطی (م. ۶۴۶ ق.)،^۶ ابن الابار (م. ۶۵۸ ق.)،^۷ صفدی

۱. ابن ندیم، همانجا و نیز - سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۱؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۵؛ شهیدی، همان، ص ۲۴۶ و ۲۴۷؛ عبدالحسین حائری، همانجا.

۲. قاضی صاعد، همانجا و نیز - قفطی. همانجا؛ ابن ابی اصیبه، عیون الالباء، ص ۴۵۸ و ۴۶۷؛ دهخدا، همان، ذیل «حنین بن اسحاق».

۳. حور العین، ص ۱۱۲.

۴. فهرسة ما رواه عن شیوخه من الدواوین المصنفة فی ضروب العلم، ص ۳۲۹.

۵. نزهة الالباء فی طبقات الادباء، ص ۴۶ و نیز - محمد شفیع، همان، ص ۴۷.

(م. ۷۴۶ ق.)،^۸ ذهبی (م. ۷۴۸ ق.)،^۹ یافعی (م. ۷۶۸ ق.)،^{۱۰} ابن خلدون (م. ۸۰۸ ق.)،^{۱۱} قلّشندی (م. ۸۲۱ ق.)،^{۱۲} ابن الجری (م. ۸۳۳ ق.)^{۱۳} و ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)^{۱۴} از جمله کسانی هستند که کتاب‌العین را به خلیل بن احمد نسبت داده‌اند. سیوطی (م. ۹۱۱ ق.) از قول حمزه اصفهانی شمارش ابواب کتاب‌العین و جمع آنها را آورده و این را دال بر آن می‌داند که خلیل کتاب را تمام کرده است. وی همچنین سند کتاب را به ترتیب زیر آورده است: ابوعلی الفسانی از حافظ ابو عمر بن عبدالبرّ از عبدالوارث بن سفیان از قاضی منذر بن سعید از ابی العباس ولاد، از پدرش از علی بن مهدی از ابو معاذ عبد الجبار بن یزید از لیث از خلیل بن احمد.^{۱۵} طاش کبری زاده (م. ۹۶۸ ق.)،^{۱۶} ابن العماد (م. ۱۰۸۹ ق.)،^{۱۷} محمد بن الرّودانی (م. ۱۰۹۴ ق.)،^{۱۸} عبداللطیف بن محمد ریاضی زاده (م. قرن ۱۱ ق.)،^{۱۹} و عبدالله اصفهانی^{۲۰} نیز کتاب‌العین را از آن خلیل دانسته‌اند.

تحقیقات و منابع متأخر به بحث در این باب پرداخته و نظرات گوناگون را بیان داشته‌اند. اما بیشتر این تحقیقات نهایتاً خلیل بن احمد را مؤلف این کتاب شناخته‌اند که از آن جمله‌اند: آقا بزرگ طهرانی،^{۲۱} سید حسن صدره،^{۲۲} اسماعیل

۶. انباه الرواة، ج ۱، ص ۳۴۱.

۷. المختضب من کتاب تحفه القادِم، ص ۱۸۴.

۸. همانجا.

۹. المعبر، ج ۱، ص ۲۸۶ و سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۲۲۹.

۱۰. مرآت الجنان، ج ۱، ص ۳۶۳.

۱۱. همانجا.

۱۲. صبح الاغشی، ج ۱، ص ۲۲۰.

۱۳. غایة النهایة، ج ۱، ص ۲۷۵.

۱۴. تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۱۵. بنية الوعاة، ج ۱، ص ۵۵۹ المزهري، ج ۱، ص ۷۶ و نیز ح. حاجی خلیفه، همانجا؛ سید حسن صدره، تأسیس الشیعه، ص ۱۵۱ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۳؛ محمد شفیع، همانجا.

۱۶. مفتاح المعادة، ج ۱، ص ۱۰۶.

۱۷. شذرات الذهب، حوادث سال ۱۷۰؛ و نیز ح. محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۳۸.

۱۸. صلة الخلف بموصول السلف، ص ۳۰۸.

۱۹. اسماء الکتاب، ص ۲۱۲.

۲۰. همانجا.

۲۱. همانجا.

۲۲. تأسیس الشیعه، ص ۱۵۱.

پاشا بغدادی،^۱ ادوارد فندیک،^۲ زرکلی،^۳ جرجی زیدان،^۴ الیاس سرکیس،^۵ سلطانعلی سلطانی،^۶ مهدی المخزومی،^۷ سرگئی شویکی،^۸ احمد تیمور پاشا،^۹ دائرة المعارف اسلام،^{۱۰} شهیدی،^{۱۱} س.م. یوسف،^{۱۲} محمدعلی مدرس،^{۱۳} عبدالله درویش،^{۱۴} مسعود فرزاد،^{۱۵} وجدی رزق غالی،^{۱۶} ج.ف. اخیدیمه،^{۱۷} و ابراهیم الایاری.^{۱۸}

ب) انتساب به شخص یا اشخاص غیر از خلیل: ابونصر ازهری (م. ۳۷۰ ق.) می‌گوید: «لیث بن مظفر کتاب العین را تألیف کرد و آن را به نام خلیل بن احمد راجع کرد.» و از اسحاق بن ابراهیم الحنظلی فقیه نقل می‌کند که: «لیث مردی صالح بود و خلیل بمرد و از کتاب العین فارغ نشد پس لیث خواست کتاب را رواج دهد، زبان خود را خلیل نامید و چون در کتاب بینی «سألت الخلیل بن احمد» یا «اخبرنی الخلیل بن احمد» یعنی خود خلیل و چون گوید «قال الخلیل» یعنی زبان وی. و وقوع اضطراب از جانب لیث است.»^{۱۹} ابن ندیم گوید: «این کتاب را کسی از

۱. هدیه العارفين، ج ۱، ستون ۳۵۰.

۲. اكتشاف التنوع بـماهور مطبوع من اجل التألیف العربیه فی المطابع الشرقیه والغریبه، ص ۲۹۸.

۳. همانجا.

۴. تاریخ آداب اللغة، ج ۲، ص ۱۲۲.

۵. همانجا.

۶. همانجا.

۷. همان.

۸. همانجا.

۹. همانجا.

۱۰. همانجا.

۱۱. همانجا.

۱۲. همانجا.

۱۳. همانجا.

۱۴. المعاجم العربیه، ص ۵۶.

۱۵. همانجا.

۱۶. همان.

۱۷. نقش جهان اسلام در دانش فرهنگ‌نویسی.

۱۸. العین للخلیل بن احمد، ص ۸۸۹-۹۰۰.

۱۹. مقدمة تهذیب اللغة، ص ۲۸؛ و نیز - سیوطی، الزهر، ص ۷۶؛ عبدالله اصفهانی، همانجا؛ سید حسن

صدر، الشیعه و فنون الاسلام، ص ۷۷ و تأسیس الشیعه، ص ۱۴۷ و ۱۵۲؛ محمد شفیع، همانجا؛ مهدی

المخزومی، همان، ص ۱۹-۲۲؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

خلیل روایت نکرده و در اخبار هم شنیده نشده که مؤلفش اوست».^۱ ابن جنی در الخصائص نوشته است که تخیل و خلل و تباهی در کتاب‌العین چنان است که آن را به کوچکترین شاگردان خلیل نسبت نتوان داد تا به شخص وی چه رسد و بی‌گمان این تخیل از جانب کسی جز خلیل در آن راه یافته است.^۲ حاجی خلیفه از ابوغالب ثیانی مؤلف فتح‌العین آرد که: «انتساب این کتاب به خلیل به ثبوت نپیوسته است و بزرگان بصره که نزد اصحاب خلیل ادب فرا گرفته و علم او را اخذ کرده‌اند این کتاب را طرد و انکار می‌کنند، چه انتساب آن به خلیل جز از طرف مردی نامشهور شنیده نشده است».^۳

ج) انتساب به خلیل و دیگران: ابن‌المعز (م. ۲۶۹ ق.) داستانی را از ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن جعفر و او از قول محمد بن المهلبی نقل می‌کند که: «خلیل بن احمد نزد لیث بن نصر بن سیار می‌رفت و لیث از بهترین منشیان زمان بود و در ادب دست داشت و به نحو و شعر و لغت عرب آگاهی داشت. او با آل برمک اختصاص تمام داشت و به افشای دیوان همت می‌گماشت. پس خلیل نزد او رفت و چون لیث را بر حقیقت حال و مراتب فضل و کمال خلیل اطلاع حاصل شد او را رعایت بسیار نمود و بی‌نیاز ساخت و خلیل مدتی در آن فکر بود که تحفه لایق جهت لیث به هم رساند و می‌دانست که از اقسام مال چیزی را در نظر لیث موقعی نیست و به هیچ چیز آنقدر خوشحال نمی‌شود که به ظرایف آداب و بنابر این اهتمام در تصنیف کتاب عین و اتمام آن نمود و بعد از اتمام آن را به خط خوب و قطع مرغوب تزیین داده به لیث فرستاد و لیث از آن کتاب بسیار خوشحال شد و وقتی عظیم در خاطر او یافت و صد هزار درهم به جایزه آن جهت خلیل فرستاد و زبان به عذرخواهی تقصیر گشاد. بعد از آن لیث روز و شب اوقات خود را صرف مطالعه آن کتاب می‌کرد و ملول و افسرده نمی‌شد و هر جا که مطالعه او منتهی می‌شد آن را نشانی می‌کرد و چون از خدمت

۱. همانجا؛ و نیز - شهیدی، همان، ص ۲۲۳.

۲. المزهري، ص ۱۷۹ و نیز - حاجی خلیفه، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ حائری، همانجا؛ شهیدی، همانجا.

۳. حاجی خلیفه، همانجا.

برامکه مراجعت می نمود از آنجا مطالعه می فرمود تا آن که نصف کتاب را به ترتیب حفظ کرد.

اتفاقاً در آن اثنا لیث کنیزی به غایت حسن و جمال خرید و در خانه یکی از دوستان خود او را منزل مهیا ساخته پنهان از خاتون خانه به خدمت او می رسید و چون خاتون دختر عمه لیث و صاحب جمال و مال بود و پیش از آن محبت با هم داشتند، آن مضمون را شنید آتش رشک و غیرت از کانون سینه اش شعله کشید و سوگند یاد کرد که زیانی عظیم به لیث رساند و چون با خود تأمل کرد که لیث را پروای زیان مال نیست و دیده بود که به آن کتاب بسیار شغف و رغبت دارد تا آن که جمیع ملاهی و لذات را از خود دور ساخته و شب و روز خود را بر بالای آن کتاب انداخته لاجرم کتاب عین را عین الکمال رسانیده بسوخت و چون لیث از خانه آل برمک مراجعت نمود فی الحال بیکی از خادمان فریاد کرد که کتاب مرا بیاور و چون ظاهر شد که کتاب پیدا نیست نزدیک بود که از غصه هلاک شود و بنابر گمان آن که خادمان آن را دزدیده اند همه را جمع نمود و تهدید فرمود و در آن اثنا یکی از ایشان گفت که خاتون خانه آن را گرفته. آن گاه لیث نزد او رفت تا او را راضی کرده کتاب را بگیرد به او گفت که کتاب را به من بسپار و من جاریه را به تو بخشیدم و او را بر خود حرام گردانیدم. خاتون دست او گرفته به خانه ای برد که آن کتاب را سوخته بود. لیث را چون نظر بر خاکستر افتاد و یقین دانست که آن کتاب را سوخته او را حالی بدتر از آن به هم رسید که گویی پسر او مرده بود و نصفی را که از حفظ داشت بنوشت و چون خلیل مقارن آن وفات یافته بود و نسخه منحصر در همان یک نسخه بود نصفی دیگر ضایع بماند. آن گاه علمای زمان را جمع کرد تا نصف دیگر را بر متوال نصف باقی تألیف کنند و ایشان در آن باب سعی بسیار نمودند اما مانند آن تألیفی نتوانستند چنانکه هر که نظر بر هر دو نصف می اندازد تفاوت بسیار در احکام و اتقان ادراک می کند.^۱ ابوطیب لغوی

۱. ابن المعتز، همانجا؛ و نقل کامل یا با اندک اختلاف از السیوطی، بغية الوعاة، ج ۱، ص ۵۶ و الزهرج، ج ۱، ص ۱۷۶؛ طاش کبری زاده، همانجا؛ قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ص ۵۵۲؛ حاجی خلیفه، همانجا؛ سید حسن صدر، تأسیس الشيعة، ص ۱۱۵۲؛ محسن الامین، همانجا؛ محمد شفیع، همان، ص ۴۷؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۵ و ۲۳۷.

(م. ۳۵۱ ق.) می‌گوید: «خلیل ابواب کتاب العین را مرتب کرد و پیش از آنکه آن را کامل کند درگذشت». و هم ابوطیب گوید: «از اسحاق بن راهویه نقل شده که لیث مرد صالحی بود و خلیل از کتاب العین تنها باب عین را عمل کرده بود و لیث باقی کتاب را تصنیف کرد و به نام خلیل کرد... و خللی که در کتاب است از خلیل نیست». ^۱ ابوهلال عسکری (م. احتمالاً ۳۵۹ ق.) از قول احمد بن یحیی می‌گوید که اغلاطی که در کتاب العین وارد شده از خلیل نیست و علت آن این است که خلیل آن را تکمیل نکرد بلکه گروهی از علماء آن را به انجام رساندند. ^۲ و ابوسعید سیرافی (م. ۳۶۸ ق.) آغاز کتاب العین را از خلیل می‌داند. ^۳ ابوبکر زبیدی گوید: «آنچه استوارتر است این که خلیل بنیاد این کتاب را بنهاد و کلمات عرب را فراهم آورد و استوار ساخت، لکن پیش از پایان کار درگذشت، سپس کسی که در این فن به پایه او نمی‌رسید اتمام آن را به عهده گرفت و خلل و خطایی که در کتاب موجود است از این راه پدید آمد». و همو گوید: «هیچ یک از نزدیکان خلیل صحبتی از این کتاب به میان نیاوده‌اند». ^۴ ابن ندیم در روایت دیگری در باب مؤلف کتاب العین چنین آورده است: «گفته‌اند لیث در مدت کوتاهی که با خلیل مصاحبت داشت خلیل این را برای او ترتیب داد و رویه کار را به او گفت و چون مرگ او را در ربود لیث آن را به اتمام رسانید». ^۵ و ابن خلّکان گوید: «خلیل کتاب را شروع کرده و اوائل آن را مرتب کرد و العین نامید. سپس فوت شد و

۱. مراتب التحوین، ص ۳۰ و نیز - السیوطی، بغية الوعاة، ص ۵۵۹ و المزهر، ص ۱۷۸ طاش کبری زاده، همانجا؛ حاجی خلیفه، همانجا؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۴۸ و ۱۵۳ محسن الامین، همانجا؛ زرکلی، همانجا؛ شهیدی، همان، ص ۲۲۳ و ۲۲۵.

۲. من کتاب الاوائل، ص ۳۸۷.

۳. اخبار التحوین بصرین، ص ۳۸ و نیز - السیوطی، بغية الوعاة، ج ۱، ص ۵۵۷ و المزهر، ج ۱، ص ۱۷۶ حاجی خلیفه، همانجا؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، ص ۱۵۲ خوانساری، روایات الجنات، ج ۳، ص ۷۴۷-۷۵۰؛ محمد شفیع، همانجا؛ حنا الفخوری، تاریخ ادبیات عرب، ص ۵۵۷ غلامحسین مصاحب، همانجا؛ شهیدی، همانجا.

۴. السیوطی، المزهر، ج ۱ ص ۱۷۹ و نیز - حاجی خلیفه، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ مهدی المخزومی، همان، ص ۱۹ و ۲۶؛ شهیدی، همان، ص ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶.

۵. ابن ندیم، همانجا و نیز - یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱۱، ص ۷۴ شرف الدین نووی، تهذیب الاسماء، ج ۱، ص ۱۷۸ صفدی، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۴ Fuat Sezgin, *Ibid*, v.8, p.52.

شاگردانش نصر بن شمیل و موریج السدوسی و نصر بن علی الجهضمی و غیرهم آن را تکمیل کردند.^۱

کتابهایی که به نحوی با کتاب العین مربوط بوده‌اند

کتاب العین به عنوان اولین فرهنگ لغت زبان عربی، بحثهای زیادی را میان پژوهشگران و محققین متقدم و متأخر برانگیخته است. در این بحثها و نظریات ابعاد مختلف این کتاب به نقادی کشیده شده است، برخی به اختصار آن همت گماشته‌اند و برخی بر آن ردیه نوشته و گروهی نیز در مقام دفاع از آن برآمده‌اند. اینک فهرستی از این کتابها:

فائت العین / خلیل بن احمد فراهیدی (م. ۱۷۵ ق.)؛^۲ المدخل الی کتاب العین / نصر بن شمیل (م. ۲۰۴ ق.) از شاگردان خلیل؛^۳ الاستدراک علی کتاب العین / علی بن نصر الجهضمی (م. ۱۸۷ ق.)؛^۴ الاستدراک علی کتاب العین / موریج السدوسی (م. ۱۹۵)؛^۵ استدراک علی الخلیل فی المهمل و المستعمل / ابوتراب (م. ۲۷۵ ق.)؛^۶ الرد علی الخلیل و اصلاح ما فی کتاب العین من الغلط و المحال و التصحیف / المفضل بن سلمه (م. ۳۰۰ ق.)؛^۷ الحصائل / ابوالاثر

۱. ابن خلکان، همان، ص ۱۱۷ و نیز - ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۱۱۶؛ محمد شلیع، همانجا؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۳ و ۲۳۴.

۲. ابن ندیم، همان، ص ۱۷۶ و نیز - یاقوت حموی، همان، ج ۱۱، ص ۱۷۴؛ السیوطی، بغیة الوعاة، ج ۱، ص ۵۵۷؛ اسماعیل پاشا بغدادی، همانجا؛ محمدعلی مدرس، همانجا؛ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ دهخدا، همانجا؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۰؛ Fuat Sezgin, *Ibid*, V.8, p.54؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۰۸.

۳. ابن ندیم، همان، ص ۱۹۱ و نیز - قفطی، همان، ج ۳، ص ۳۵۲؛ یاقوت حموی، همان، ج ۱۹، ص ۲۴۳؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۴؛ شهیدی، همان، ص ۲۳۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۰۵.

۴. Fuat Sezgin, *Ibid*؛ آقا بزرگ طهرانی و شهیدی، نام مؤلف را عبدالله الجهضمی قید کرده‌اند؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۱۰.

۵. Fuat Sezgin, *Ibid*؛ آقا بزرگ طهرانی و شهیدی، نام مؤلف را عبدالله السدوسی قید کرده‌اند؛ احمد الشرقاوی اقبال، همانجا.

۶. ابن ندیم، همان، ص ۱۴۱؛ و نیز - قفطی، همان، ج ۴، ص ۱۹۷؛ محمد شلیع، همان، ص ۴۹؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرقاوی اقبال، همان، ص ۲۱۱.

۷. ابوطیب لغوی، همان، ص ۲۷-۴۱؛ و نیز - ابن ندیم، همان، ص ۱۲۴؛ ابن الانباری، همان، ص ۲۰۲؛ قفطی، همان، ج ۳، ص ۳۰۶؛ السیوطی، المزهر، ج ۱، ص ۱۸۷؛ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۱۴۲۳.

البخاری (قرن ۴ ق.)؛^۱ الاستدراک علی کتاب العین / ابن درید (م. ۳۲۱ ق.)؛^۲ التوسط / ابن درید؛^۳ الرد علی المفضل فی نقضه علی الخلیل / ابو عبدالله نفطویه (م. ۳۲۳ ق.)؛^۴ ما اغفله الخلیل فی العین و ما ذکر انه مهمل و هو مستعمل و ما هو مستعمل و قد اهل / ابو عبدالله محمد بن عبدالله الکرمانی الوراق (م. ۳۲۹ ق.)؛^۵ فائت العین / ابو عمرو زاهد معروف به غلام ثعلب (م. ۳۴۵ ق.)؛^۶ الانتصار لکتاب العین / ابن درستویه (م. ۳۴۷ ق.)؛^۷ الرد علی المفضل فی رد علی الخلیل / ابن درستویه؛^۸ نقض کتاب العین / ابن درستویه؛^۹ الرد علی من نقله کتاب العین عن الخلیل / ابن درستویه؛^{۱۰} تکملة کتاب العین / احمد بن محمد الخارزنجی (م. ۳۴۸ ق.)؛^{۱۱} الرد علی اللیث / ابو منصور الازهری (م. ۳۷۰ ق.)؛^{۱۲} الرد علی اللیث / علی محمد الشمشاطی (م. ۳۷۷ ق.)؛^{۱۳} مختصر العین / ابوبکر محمد بن حسن

- شهیدی، همان، ص ۲۳۸؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۳؛ محمد شفیع، همان، ص ۴۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همانجا، به نام الاستدراک علی الخلیل فی کتاب العین.
۱. فطی، همان، ج ۴، ص ۹۳ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۰۹.
 ۲. آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶ و نیز - شهیدی، همان، ص ۲۳۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۱۰.
 ۳. فطی، همان، ج ۳، ص ۱۹۷ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۱۱.
 ۴. ابن ندیم، همان، ص ۱۱۳۸ و نیز - یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۲۷۲؛ فطی، همان، ج ۱، ص ۱۱۸۰؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همانجا.
 ۵. ابن ندیم، همان، ص ۱۱۳۲ و نیز - فطی، همان، ج ۳، ص ۱۵۵؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ محمد شفیع، همان، ص ۴۹؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۳۴۴؛ شهیدی، همانجا؛ سلطانی، همان، ص ۲۳۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همانجا.
 ۶. ابن ندیم، همان، ص ۱۱۲۸ و نیز - یاقوت حموی، همان، ج ۱۸، ص ۲۳۲؛ فطی، همان، ج ۳، ص ۱۷۷؛ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۳؛ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۰۸.
 ۷. فطی، همان، ج ۲، ص ۱۱۱۴ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*.
 ۸. فطی، همانجا؛ و نیز - السیوطی، همان، ج ۱، ص ۸۹؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۱۱.
 ۹. ابن خلکان، همان، ص ۱۷؛ و نیز - ابن کثیر، همانجا؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ شهیدی، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*.
 ۱۰. محمد شفیع، همانجا؛ و نیز - Fuat Sezgin, *Ibid*.
 ۱۱. فطی، همان، ج ۱، ص ۱۱۰۷ و نیز - عبدالله احدی، همانجا، به نام احمد بن البشتی؛ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۴۴۳؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشرفاوی اقبال، همان، ص ۲۰۸.
 ۱۲. یاقوت حموی، همان، ج ۱۷، ص ۱۶۵.
 ۱۳. نجاشی، فهرست اسماء المصنفین الشیعه، ص ۱۸۶ و ۱۸۷؛ و نیز - عبدالله افتدی، همانجا؛ محسن

الزبيدي (م. ٣٧٩ ق.)؛^١ الاستدراك الغلط الواقع في كتاب العين / ابوبكر محمد بن حسن الزبيدي؛^٢ رساله الانتصار للخليل في مارود عليه في العين / ابوبكر محمد بن حسن الزبيدي؛^٣ المستدرك / ابوبكر محمد بن حسن الزبيدي؛^٤ الاستدراك لما اغفله الخليل / ابو الفتح محمد بن جعفر بن المراهي الهمداني (م. ٣٨٠ ق.)؛^٥ مختصر العين / ابو الحسن علي بن القاسم السنجاني الخوافي (م. ٤٠٠ ق.)؛^٦ غلط كتاب العين / ابو عبدالله محمد بن عبدالله الخطيب الاسكافي (م. ٤٢٠ ق.)؛^٧ فتح العين / ابو غالب بن التياني (م. ٤٣٦ ق.)؛^٨ قيد الاوابد / اسماعيل بن ابراهيم بن محمد الربيعي اليماني (م. ٤٨٠ ق.)؛^٩ مختصر العين / ابي الحسن علي بن ابراهيم بن سعيد الخوافي؛^{١٠} مختصر العين / ابي الفيض محمد بن محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني معروف به مرتضى الزبيدي (م. ١٢٠٥ ق.)؛^{١١}

Fuat Sezgin, *Ibid* ١٣٤ ج ٤ ص

۱. ابریکر الاشیللی، همان، ص ۳۴۹ و ۱۳۵۰ و نیز ۷۷۰ یاقوت حموی، همان، ج ۱۸، ص ۱۱۸۰، قطعی، همان، ج ۳، ص ۱۱۰۸ ابن خلدون، همانجا؛ السیوطی، همان، ج ۱، ص ۱۸۷ عبدالله احدى، همانجا؛ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ محسن الامین، همان، ج ۶، ص ۱۳۴۴ شهیدی، همانجا؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۱۴۸ جرجی زیدان، تاریخ ادب اللغة العربیة، ج ۲، ص ۱۲۲؛ غلامحسین مصاحب، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*; Carl Brockelmann, *Ibid*, Supp. 1, p.159.
۲. السیوطی، همان، ج ۱، ص ۷۹ و نیز ۷۷۰ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۱۴۴۳ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ سید حسن صدر، همان، ص ۱۵۲ و ۱۱۷۸؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشراقوی اقبال، همان، ص ۲۱۱.
۳. قطعی، همان، ج ۳، ص ۱۱۰۸ و نیز ۷۷۰ Fuat Sezgin, *Ibid*.
۴. احمد الشراقوی اقبال، همان، ص ۲۰۹.
۵. ابن ندیم، همان، ص ۱۲۴ و نیز ۷۷۰ یاقوت حموی، همان، ج ۱۸، ص ۱۱۰۲؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشراقوی اقبال، همان، ص ۲۰۹.
۶. عبدالله احدى، همانجا؛ و نیز ۷۷۰ محسن الامین، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*.
۷. یاقوت حموی، همانجا؛ و نیز ۷۷۰ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۱۴۴۳ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ شهیدی، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ محسن الامین، همانجا؛ احمد الشراقوی اقبال، همان، ص ۲۱۱.
۸. السیوطی، همان، ج ۱، ص ۷۸ و نیز ۷۷۰ حاجی خلیفه، همان، ج ۲، ستون ۱۱۴۴۴ آقا بزرگ طهرانی، همانجا؛ محسن الامین، همانجا؛ شهیدی، همانجا؛ Fuat Sezgin, *Ibid*؛ احمد الشراقوی اقبال، همان، ص ۲۰۵ به نام تلقیح العین.
۹. قطعی، همان، ج ۱، ص ۱۹۱ و ۱۹۲ و نیز ۷۷۰ عمررضا کماله، معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۲۵۴؛ Fuat Sezgin, *Ibid*.
۱۰. احمد الشراقوی اقبال، همان، ص ۲۰۶.
۱۱. احمد الشراقوی اقبال، همان، ص ۲۰۷.

منابع

- ۱- آقا بزرگ طهرانی، محمدحسین. الذریعة الى تصانیف الشیعه، طبع ۲، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق، ۲۵ جلد.
- ۲- ابن‌الابرار، محمد بن عبدالله. المقتضب من کتاب تحفه القادِم، اختیار و تقييد ابی اسحاق ابراهيم بن محمد البليقي؛ تحقيق ابراهيم الايباري، قاهره: دارالكتاب المصري، ۲۵۷ ص.
- ۳- ابن‌الجزري، شمس‌الدين. غاية النهاية في طبقات القراء عنى نبشره ج. برجستراسر، مصر: مكتبة الخانجي، ۱۳۵۱ ق، ۳ جلد در ۲ مجلد.
- ۴- ابن‌العماد، عبدالحی بن‌احد. شذرات الذهب في اخبار من ذهب، بیروت: دارالمسیرة، ۱۹۷۹.
- ۵- ابن‌ابی‌اصیبه، موفق‌الدین ابی‌العباس. عیون الانباء في طبقات الاطباء؛ به کوشش جعفر غضبان و محمود نجم‌آبادی، ۱۳۲۹.
- ۶- ابن‌حجر عسقلانی، احد بن علی. تهذیب التهذیب، حیدرآباد الدکن: دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۲۷ ق، ۱۲ ج.
- ۷- ابن‌خلدون، عبد الرحمن بن محمد. مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ۲ جلد.
- ۸- ابن‌خلکان، احمد بن محمد. وفيات الاعیان و انباء انباء الزمان، حققه و علق حواشیه محمد محی‌الدین عبد الحمید، قاهره: مكتبة النهضة المصرية، ۱۳۶۷-۱۳۶۹ ق، ۶ جلد.
- ۹- ابن‌درید، محمد بن حسن. جمهرة اللغة، حیدرآباد الدکن، ۱۳۴۵ ق.
- ۱۰- ابن‌صاعد الاندلسی، قاضی ابی‌القاسم. طبقات الامم، به کوشش الاب لویس شیخو الیسوعی، بیروت: المطبعة الكاثو لیکية للآباء الیسوعیین، ۱۹۱۲.
- ۱۱- ابن‌عطیه، عبدالحق بن غالب. فهرس، تحقیق محمد ابوالاجفان و محمد الزاهی، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۸۳.
- ۱۲- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر. البداية و النهاية في تاریخ، قاهره: مطبعة السعادة، ۱۳۵۱ -

[۱۳۵۸] ق.، ۱۴ جلد در ۷ مجلد.

۱۳- ابن المعتز، ابوالعباس. طبقات الشعراء تحقيق عبدالستار احد فراج، مصر: دارالمعارف [تاريخ التمهيد ۱۳۷۵ ق.] ۶۰۳ ص.

۱۴- ابن نديم، محمد بن اسحاق. الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، تهران، ۱۳۴۶.

۱۵- ابن ولاد، احمد بن محمد. المقصور و الممدود (على حروف المعجم)، استخراج و صححه بولس بروثله، ليدن: بريل، ۱۹۰۰.

۱۶- ابوالطيب لغوى، عبدالواحد بن على. مراتب النحويين، قاهره: مكتبة النهضة مصر، ۱۳۵۷ ق.

۱۷- اليبارى، ابراهيم. والعين للخليل بن احمد. تراث الانسانية، مصر: وزارة الثقافة، [۱۳] ق.]

۱۸- اخيديمه، ج. ف. «نقش جهان اسلام در دانش فرهنگنويسى»، ترجمه حكيم الدين قريشى. نشر دانش، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۶۱.

۱۹- ادوارد فنديك. اكفاء القنوع، بماهو مطبوع من اجل التأليف العربية فى المطابع الشرقية و الغربية، صححه محمد على البيلاوى، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۰۹ ق.

۲۰- ازهرى، ابو منصور. تهذيب اللغة، حققه و قدم له عبدالسلام محمد هارون، راجعه محمد على نجار، [قاهره] الدار المصرية للتأليف و الترجمة [۱۳۸۴ ق.].

۲۱- الاشيبلى، محمد بن خير. فهرسة مارواه عن شيوخه من الدواوين المصنفة فى ضروب العلم و انواع المعارف [قاهره: مكتبة الخانجى، ۱۳۸۲ ق.].

۲۲- افندى اصفهانى، عبدالله بن عيسى، رياض العلماء و حياض الفضلاء، باهتمام محمود المرعشى، تحقيق احمد الحسينى، قم: مكتبة آية الله المرعشى العامة، ۱۴۰۱ ق.

۲۳- امين، سيد محسن. اعيان الشيعة، حققه و اخرجه حسن الامين، بيروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.

۲۴- انبارى، ابوالبركات عبدالرحمن بن محمد. نزهة الالباء فى طبقات الادباء، قام حقيقه ابراهيم السامرائى بغداد: وزارة المعارف، ۱۹۵۹، ۳۵۴ ص.

۲۵- البغدادى، اسماعيل پاشا. هدية العارفين: اسماء المؤلفين و آثار المصنفين من

- کشف الظنون، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۲ ق.
- ۲۶- پور احمد جکتاجی، اسماعیل. تاریخچه کتابخانه ملی، تهران: کتابخانه ملی ایران ۱۳۵۷.
- ۲۷- تیمور پاشا، احمد. نوادر المخطوطات العربية واماکن وجودها، نشرها صلاح‌الدین المنجد، بیروت: دارالکتب الحدید، ۱۹۸۰، ۱۲۷ ص.
- ۲۸- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله: کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، تهران: اسلامی و جعفری، ۱۳۸۷ ق. ۲ جلد.
- ۲۹- حلبی، علی اصغر. تاریخ تمدن اسلام، تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۵.
- ۳۰- الحمزای، محمد رشاد. من قضايا المعجم العربي، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۶.
- ۳۱- حمزة اصفهانی. التنبیه علی حدوث التصحیف، حققه محمد اسعد طلس، راجعه اسماء الحمصی، دمشق: مجمع اللغة العربية، ۱۳۸۸ ق. ۲۴+۳۰۳ ص.
- ۳۲- خوانساری، محمد باقر. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ترجمه محمد باقر ساعدی، تهران اسلامی، ۱۳۵۶، ۸ جلد.
- ۳۳- دارالکتب الظاهرية. فهرس مخطوطات علوم اللغة العربية، وضعته اسماء الحمصی، دمشق: ۱۳۹۳ ق.
- ۳۴- دارالکتب المصریة. فهرس الکتب العربیة، قاهره: مطبعة دارالکتب المصریة، ۱۹۲۶.
- ۳۵- درویش، عبدالله. المعاجم العربیة مع اعتناء خاص بمعجم العین للخلیل بن احمد، قاهره، ۱۹۵۶.
- ۳۶- دهخدا، علی اکبر. لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغتنامه دهخدا، ۱۳۲۵-۱۳۵۹.
- ۳۷- ذهبی، شمس‌الدین. میراعلام النبلاء، اشرف علی تحقیق الکتاب و خرج احادیثه شعيب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۲.
- ۳۸- ———. العبر فی خبر من غبر، کویت: دائرة المعارف و النشر، ۱۹۶۰، ۴ جلد.
- ۳۹- الزودانی، محمد بن سلیمان. صلة الخلف بموصول التلف، تحقیق محمد حبیبی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۸.

- ۴۰- رياضی زاده، عبداللطيف بن محمد. اسماء الكتب، قاهره: مكتبة الخانجي، ۱۹۷۵.
- ۴۱- زركلي، خيرالدين. الاعلام، قاموس تراجم الاشهر الرجال و النساء من المغرب و المستغربين و المستشرقين، بيروت: دارالعلم للملايين، ۱۹۸۰، ج ۸.
- ۴۲- زبيدي، ابوبكر محمد بن الحسن. طبقات النحويين و اللغويين، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم: امين الخانجي ۱۳۷۳ ق. ۳+۴۰۸ ص.
- ۴۳- زيدان، جرجي. تاريخ آداب اللغة العربية، مصر: مطبعة الهلال.
- ۴۴- ———. تاريخ تمدن اسلام، ترجمه علي جواهر كلام، تهران: اميركبير، ۱۳۵۶، ۵ جلد.
- ۴۵- سركيس، يوسف اليان. معجم المطبوعات العربية و المعربة، مصر: مطبعة سركيس، ۱۳۶۶ ق. ۲ جلد.
- ۴۶- سلطاني، سلطانعلي. «تدوين لغت تازی به وسيله ايرانيان»، مقدمه لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۵-۱۳۵۹.
- ۴۷- السيرافي، ابوسعيد حسن بن عبدالله. اخبار النحويين البصريين، اعتنى بنشره و تهذيبه فريتس كرنكو، الجزائر، معهد المباحث الشرقية [تاريخ التمهيد ۱۳۷۵ ق.] ۱۱۶ ص.
- ۴۸- السيوطي، عبدالرحمن بن ابى بكر. بقیة الوعاة فی طبقات اللغويين و النحاة، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، [مصر] مطبعة عيسى البابي الحلبي، ۱۳۸۴ ق.، ۲ جلد.
- ۴۹- ———. المزهري في علوم اللغة و انواعها، شرحه و ضبطه و صححه و عنون موضوعاته محمد احمد جادالمولى، على محمد البجاوي، محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: داراحياء الكتب العربية، ۲ جلد.
- ۵۰- الشرفاوي، اقبال احمد. معجم المعاجم، بيروت: دارالغرب الاسلامي، ۱۴۰۷ ق.
- ۵۱- شفيق، محمد. و الخليل بن احمد العروضي. «اوريتل كالج مگزین، ج ۲۲، شماره ۲: ۲۸-۵۲، [اردو].
- ۵۲- شوشتری، قاضي نورالله. مجالس المؤمنين، تهران: اسلاميه، ۱۳۷۵ ق.
- ۵۳- شهيدی، سيد جعفر. «بحثی درباره کتاب العين و مؤلف آن». مقدمه لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران. سازمان لغتنامه دهخدا، ۱۳۲۵-۱۳۵۹.
- ۵۴- صدر، سيد حسن. تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام، بيروت: دارالرائد العربي، ۱۴۰۱ ق.

۵۵. ———. الشيعة وفنون الاسلام، صيدا: مطبعة العرفان، ۱۳۳۱ ق.
۵۶. صفدی، خليل بن ابيک. الوافي بالوفيات، باعتناء هلموت ویترو و دیگران، ویسبادن: فرانتس شتايز، ۱۳۸۱ ق.
۵۷. طاش کبری‌زاده، احمد بن مصطفی. مفتاح السعادة و مصباح السيادة فی موضوعات العلوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۵، ۳ جلد.
۵۸. عبد الجبار عبد الرحمن. ذخائر التراث العربی الاسلامی، بصره: [دانشگاه بصره]، ۱۹۸۱.
۵۹. عسکری، حسین بن عبدالله. من کتاب الاوائل، اختار النصوص و قدم لها و علق علیها محمد المصري، دمشق: وزارت الثقافة و الارشاد القومي، ۱۹۸۴، ۴۷۸ ص.
۶۰. الفاخوری، حنا. تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس، ۱۳۶۱، ۸۳۹ ص.
۶۱. فراهیدی، خليل بن احمد. کتاب‌العین، تحقیق مهدی المخزومی، ابراهیم السامرای، قم: دارالبحرۃ، ۱۴۰۵ ق.
۶۲. فرزاد، مسعود. «خلیل بن احمد و سیبویه»، ۲۵ مقاله تحقیقی فارسی درباره سیبویه، شیراز: دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۴.
۶۳. قفطی، علی بن یوسف. إنباء الرواة علی أنباء النحاة، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالکتب المصریه، ۱۹۵۰-۱۹۷۳، ۴ جلد.
۶۴. ———. تاریخ‌الحکماء، ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری، مقابله، تصحیح و کوشش بهمن دارایی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
۶۵. ———. اخبار العلماء باخبار الحکماء، تصحیح ژولیوس لیبرت، لایپزیک: دای تریشه، ۱۹۰۳.
۶۶. قلقشنندی، احمد بن علی. صبح الاعشی، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد، ۱۹۶۳، ۱۴ جلد.
۶۷. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. فهرست، عبدالحسین حائری، تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۴۸.
۶۸. کتابخانه ملی ملک. فهرست کتابهای خطی عربی و ترکی، زیر نظر ایرج افشار و محمد

- تقی دانش‌پژوه، تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۱.
- ۶۹- کتّال، عمر رضا. معجم المؤلفين، دمشق: المكتبة العربية، ۱۳۷۶-۱۳۸۱ ق.، ۱۵ جلد.
- ۷۰- کنتوری، اعجاز حسين. كشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و الاسفار، قم: کتابخانه آيت الله مرعشی، ۱۴۰۹ ق.
- ۷۱- المنزومي، مهدي. مقدمة كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدي، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۵ ق.
- ۷۲- مدرس، محمد علی. ریحانة الادب در تراجم احوال معروفين بکنية و لقب، تبریز: خیام، ۱۳۴۹ ش.
- ۷۳- مصاحب، غلامحسين. دایرة المعارف فارسی، تهران: فرانکلین، ج اول، ۱۳۴۵.
- ۷۴- ناتل خانلری، پرویز. «عروض عرب و عروض هند»، مجله دانشکده ادبیات، شماره ۳، سال پنجم، ۱۳۲۷.
- ۷۵- نجاشی، احمد بن علی. فهرست اسماء مصنفی الشيعة، قم: مکتبه الداوری [۱۳۹۷ ق.، ۳۴۰ ص.
- ۷۶- نشوان حمیری، ابوسعید نشوان بن سعید. الحورالعین، حققه و ضبطه و علق حواشیه کمال مصطفی، مصر: مکتبه الخانجی، ۱۹۴۸، ۵۰+۳۷۵ ص.
- ۷۷- نفیسی، سعید. «فرهنگهای پارسی»، مقدمه برهان قاطع، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲.
- ۷۸- النوی، یحیی بن شرف. تهذیب الاسماء و اللغات، مصر: اداره الطباعة المنیریة.
- ۷۹- وجدی زرق غالی، المعجمات العربية، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للتألیف و النشر، ۱۳۹۱ ق.
- ۸۰- الهلیس، یوسف. و علم الصوتیات عند العرب»، أبحاث الندوة العالمیة الاولى لتاریخ العلوم عند العرب المنعقدة بجامعة حلب من ۵-۱۲ ربيع الثاني ۱۳۹۶ ق.، حلب: جامعة حلب، ۱۹۷۷.
- ۸۱- همایونفرخ، رکن الدین. تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، تهران: سازمان کتابخانه‌های عمومی، [۱۳۵۹].
- ۸۲- الیافعی، محمد بن عبدالله. مرآة الجنان و عبرة یقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث

الزمان، حیدرآباد الدکن: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۳۷ ق.

۸۳- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. معجم الادباء، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد.

۸۴- ———. معجم البلدان، لایپزیک: بروکهاوس، ۱۸۶۶ (افست ایران) ۶ جلد.

۸۵- یوسف، س. م. «سنت فرهنگ‌نویسی در اسلام»، ترجمه علی محمد حق شناس، نشر دانش، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۶۲.

86- Brockelman, Carl. *Geschichte der arabischen literature*. – Leiden: Brill, 1943.

87- *Encyclopedia Britannica*; Chicago: Encyclopedia Britannica. 1967, 1985, ed. 14, ed.15.

88- Sellheim, R. "Al.Khalil B. Ahmad", in *The Encyclopedia of Islam*. – Leiden: Brill, 1978.

89- Sezgin, Fuat. *Gesehite des arabischen schrifttums*. – Leiden: Brill, 1982.

90- Shuikii, Sergei. "Encyclopedias, and dictionaries, Arabic and Persian". *Dictionary of the Middle ages*. – New York: Charles Scribner, 1984.

91- *Handschriftlich kataloge der Sammlungen*,^c *Abdalwahab An-naib und Sa^cid An-naqshbandi*, G.^c Auwad.

مرکز تحقیقات کتب ویران‌های اسلامی